



روسیه، لکه ننگ انسانیت

بعضاً در اینجا و آنجا نوشته های شنگ داری به چشم میخورند که در همان اولین وهله و در همان عنوان مطلب، شنگ آن نوشته های شنگ داری، خود نمائی میکنند و اصلیت صاحبان قلم را که در حقیقت ننگ قلم بشمار میروند، آشکار می سازد و دانسته می شوی که آن قلم به دست در حقیقت ننگ قلم بوده و از قلم استفاده ناجائز نموده و در حقیقت ماهیت پنهان شده خود را با آن چرند ها، آشکار نموده است.

از چند و چون و کم و زیاد موضوع که بگذریم، میرسیم به اصل مطلب که به گفته مشهور: "کاسه چینی که صدا میکند، خود صفت خویش ادا میکند."

ادبار، قتل و کشتار و چور و غارت، وحشت و دهشت و... زمانی در میهن عزیز ما آغاز گشت که یک عده از خود و خدا بی خبر، به اشاره مستقیم مقامات روسی، در کشور آزاده ما دست به یک کودتای ننگین و خونین زدند و دمار از روزگار مردم و میهن عزیز ما بدر آوردند و بی حساب خون هموطنان ما ریختند و چور و غارت و قتل و وحشت و بگیر و ببند و را با رهنمائی و کمک روس ها، آغاز کردند و از کشته های مردم بی دفاع و بی نوا، اما آزاده ما، در هر کوی و برزن، پشته ها ساختند و زندانها و قتل گاه ها ایجاد نمودند و نام آنرا گذاشتند "انقلاب کبیر ثور" و یا هم "انقلاب برگشت ناپذیر ثور"، و...، اما با همت و شهادت مردم آزاده افغانستان عزیز، آن "انقلاب" که در حقیقت یک کودتای خونین و ننگین بود، نه تنها برگشت پذیر شد، بلکه کبیر و صغیر آن ددمنشان کودتاچی را به گودال تاریخ سپرد و "نه از تاک نشان ماند و نه از تاکنشان". اما این شرف باخته گان تاریخ میهن ما، وطن فروشی و خیانت در رگ و خون شان توسط باداران روسی شان چنان تزریق گردیده است که تا دم مرگ آنان را رها نمی کند و نخواهد کرد و بگفته مشهور:

"به آب زمزم و کوثر نتوان کرد سپید گلیم بخت کسی را که بافتند سیه"

روسیه همان جنایات مدهش را امروز در اوکراین انجام میدهد که دیروز در افغانستان انجام داد و سرانجام باعث شرمساری و روسیاهی آن تجاوز گران گردید و در نتیجه سبب از هم پاشیدن سرزمین های اشغالی روسیه گردید و اوکراین هم آزادی خود را بدست آورد و امروز روسیه تلاش دارد تا آن سرزمین اشغالی پار را دوباره به دست آورد که البته خواب است و خیال است و محال است و جنون.

و اما برگردیم به اصل موضوع که چرا یک عده محدود از هموطنان ما که دیروز با جان و دل در خدمت اشغالگران روسی بودند و دمار از روزگار مردم و میهن ما بدر آوردند و بعد هم راه فرار در پیش گرفته و به اروپا و امریکا رسیدند و...، امروزه روز داد از عدالت میزنند و قانون و...، چشمان شان جنگ خونین و نابرابر روسیه را با اوکراین نادیده گرفته و محکم چسبیده اند به پاکستان. نمی گویم که پاکستان و حکومت نظامی و غیر نظامی پاکستان در طول تاریخ آن کشور، گل های سرسبد در منطقه بوده اند و...، اما چرا یک عده محدود از افغانها که در حقیقت ننگ افغانیت و انسانیت بوده و هستند هنوز، روسیه و جنایات آنها را در کشور ما و منطقه نادیده گرفته و همه را به فراموشی سپرده و به شدت تقلا دارند تا گویا "الله و بلا" را بیندازند به گردن چرکین مقامات پاکستانی، تا مگر در طرز دید یک عده از هموطنان ما رخنه کرده و روسیه را به گونه دایه مهربان تر از مادر معرفی دارند و...، به این عده محدود و معدود ننگ قلم باید اطمینان داد که هرچند تلاش کنید آب را گل آلود نموده و ماهی مطلوب صید کنید، "یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور"، حق همیشه به حقدار میرسد و فقط روسیاهی به ذغال می ماند.

آن عده از مستخدمین روسیه که هرگز اجازه و شهادت محکوم نمودن جنایات روس های سپید و سرخ را ندارند، چپ و راست و هفته و چهارشنبه و راست و دروغ چسبیده اند به پاکستان تا نظر ها را از جنگ تجاوزگرانه روسیه در اوکراین تغییر جهت دهند و هنوز هم در معاش و مستمری روسیه زندگی فلاکتبار خود و خانواده را میگذرانند و وجدان های فروخته شده شان همچنان در گرو روسیه است که ننگ شان باد، هرچند آنان چیزی به نام ننگ و وجدان در وجود بی وجود شان خدای داناست که نیست.

